

مهاجرت و ایرانیان مهاجر

مهاجرت بعنوان يك پدیده اجتماعی می تواند نتیجه مشکلات اقتصادی، فشارهای سیاسی، محدودیتهای مذهبی، اختلافات فرهنگی، حوادث طبیعی و کوشش برای کسب دانش و زندگی بهتر باشد. اثرات و پیامدهای مثبت و منفی این پدیده بر جامعه مادری مهاجر، جامعه میزبان و شخص مهاجر مورد پژوهش جامعه شناسان قرار گرفته است که از آن میان می توان از عوارض آن بر ساخت اقتصادی، سیاسی، مذهبی و اجتماعی هر دو جامعه یاد کرد. چنان که مهاجرت میلیونها مهاجر از نقاط مختلف جهان به امریکا، این کشور را به يك جامعه چند قومی تبدیل کرده است. مهاجرین اروپای غربی که به مهاجرین قدیم معروفند از نظر تعداد و زبان تسلط خود را حفظ کرده اند ولی مهاجرین دیگر نقاط جهان با ارزشهای فرهنگی متفاوت بطور عمده ای در شکل بخشیدن به جامعه، چند فرهنگی کنونی امریکا تأثیر داشته اند. علاوه بر این از نظر اقتصادی نیز این مهاجرین نقش مهمی در تقویت بنیه اقتصادی امریکا بعهدہ دارند. ایرانیان نیز یکی از این گروههای مهاجرند که با فرهنگ بارور ایران و افراد تحصیل کرده اش سرمایه بزرگی برای امریکا محسوب می شوند. چنان که می دانیم تاکنون درباره این گروه پژوهش قابل ملاحظه ای نشده است. نوشته حاضر کوششی است در راه شناسایی بیشتر مهاجرین ایرانی در امریکا، بدین امید که مشوقی باشد برای دیگر پژوهشگران بمنظور بررسی دقیق وضع ایرانیان مهاجر مقیم امریکا و شناخت بیشتر تواناییهای آنان.

در طی تاریخ، ایرانیان کمتر در سطح وسیع به دیگر نقاط جهان مهاجرت کرده اند. در قرن هفتم مسیحی پس از حمله اعراب مسلمان به ایران، گروه نسبتاً بزرگی از ایرانیان به هند کوچ

کردند که « پارسیان هند » امروز فرزندان آن مهاجران بشمار می روند. در حمله مغولان به ایران نیز گروهی از ایرانیان به آسیای صغیر (ترکیه) و هند پناه بردند. ولی پس از انقلاب اسلامی در ایران، نه تنها بسیاری از ایرانیانی که پیش از آن بقصد تحصیل، تجارت و حتی تفریح و استراحت در خارج بسر می بردند از بازگشت به ایران منصرف شدند، بلکه برای اوکین بار در تاریخ ایران سیل مهاجرین ایرانی به کشورهای مختلف جهان روان شد که می توان از پاکستان، ترکیه، یونان، اسپانیا، آلمان، انگلیس، فرانسه، هند، ایتالیا، استرالیا، کشورهای اسکانندیناوی، کشورهای کوچک منطقه خلیج فارس، کانادا، ایالات متحده امریکا، و حتی کشورهای امریکای لاتین و آفریقا بعنوان سرزمینهایی که ایرانیان مهاجر برای زندگی خود برگزیدند یاد کرد. شهناز مصلحی از سه میلیون ایرانی یاد می کند که پس از انقلاب اسلامی کشور را ترک کردند و از این تعداد در حدود یک میلیون در امریکا بسر می برند (۱۹۸۷، ص ۵).

در حالی که در بین سالهای ۱۹۲۵-۱۹۳۲ تعداد ایرانیان مهاجر به امریکا در حدود ۷۸۰ نفر بوده است، پیش از جنگ دوم جهانی نیز تعداد ایرانیان مهاجر در سطح پایین باقی ماند و تغییر فاحشی نکرد. ولی پس از این جنگ بعلمت روابط نزدیک ایران و امریکا، تعداد ایرانیانی که کشور را بطور موقت بقصد امریکا ترك می کردند افزایش یافت. در اوایل دهه ۱۹۷۰ مهاجرت موقتی ایرانیان به امریکا در سطح وسیعتری صورت گرفت و تا آخرین سالهای حکومت شاه ادامه یافت. بنا به تحقیقات انصاری (ص ۳۰) و گیلانشاه (ص ۱۲۹) در سالهای ۱۹۴۲-۱۹۷۶ تعداد ایرانیان در امریکا در حدود ۲۴۰۰۰ نفر بوده است. به گفته انصاری فقط در بین سالهای ۱۹۷۰-۱۹۷۳ در حدود ۱۰۰۰۰ تن از اتباع ایران بعنوان «مقیم دائم» در امریکا پذیرفته شدند (ص ۳۰). توضیح آن که بسیاری از ایرانیان بعنوان دانشجو و برای تحصیل دانش به ایالات متحده امریکا سفر کرده بودند ولی آنان بعداً وضعیت قانونی خود را به مقیم دائم تغییر دادند. انصاری می گوید که در سالهای ۱۹۵۷-۱۹۷۷ در حدود ۳۰ تا ۳۵ هزار دانشجوی ایرانی به امریکا آمده است (ص ۲۷). ولی ثبت نام ۳۵۸۶ ایرانی در سال ۱۹۸۲ در کالجها و دانشگاههای امریکا تنزلی فاحش است نسبت به سال ۱۹۸۰ که بالاترین رکورد یعنی ۵۱۸۷۰ نفر را نشان می دهد (انصاری ص ۱۲۰).

اثرات انقلاب اسلامی در مهاجرت ایرانیان از نظر تعداد، جنس، سن، تحصیلات، مشاغل موضوعی است که مورد تحقیق تنی چند از پژوهشگران چون انصاری، صباغ، مصلحی و گیلانشاه قرار گرفته است. چه این انقلاب بدون تردید صفحه جدیدی را در تاریخ مهاجرت

ایرانیان به امریکا گشوده است.

انگیزه های مهاجرت: انگیزه ها و دلایل مهاجرت ایرانیان به امریکا وابسته به زمان مهاجرت متغیر و گوناگون است: کسانی که پیش از انقلاب اسلامی کشور را ترك می کردند دارای انگیزه هایی متفاوت از کسانی بودند که پس از انقلاب اسلامی جلای وطن کردند. گیلانشاه می گوید که در سالهای دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ علاقه به کسب تحصیلات عالیتر سبب اصلی آمدن ایرانیان به امریکا بوده است (ص ۱۲۶). مصلحی (۱۹۸۷، ص ۸) تفریح، تحصیل و تجارت را بعنوان دلایل اولیه مهاجرت موقت پیش از انقلاب یاد می کند (ص ۸). او تعلق به يك اقلیت مذهبی، عدم امنیت، ترس، محدودیتهای اقتصادی، سیاسی و فرهنگی و سوابق سیاسی افراد را نیز بعنوان عواملی معرفی می کند که بعد از انقلاب موجب مهاجرت ایرانیان به امریکا شده است (ص ۶، ۸). انصاری عدم امنیت اقتصادی و شخصی، و در حاشیه قرار گرفتن از نظر سیاسی، حرفه ای و مذهبی را انگیزه های اصلی مهاجرت در سالهای بعد از انقلاب یاد می کند، در حالی که مهاجرت موقت ایرانیان را در سالهای پیش از انقلاب می توان به حاشیه بودن اجتماعی، سیاسی و شغلی نسبت داد (ص ۱۱۷). صباغ از گردش و سیاحت، تحصیل و تجارت بعنوان دلایل اصلی مهاجرت موقت پیش از انقلاب سخن می گوید (ص ۷۸)، و معتقد است که بعد از انقلاب، ملاحظات سیاسی بیهوده این فهرست اضافه شده است. بطور خلاصه می توان نتیجه گیری کرد که انگیزه هایی چون تحصیل، تجارت و تفریح و دلایل سیاسی مهاجرت موقت ایرانیان پیش از انقلاب به امریکا بوده است، در حالی که مهاجرت خیل عظیمی از ایرانیان پس از انقلاب ناشی از عوامل سیاسی، مذهبی و فرهنگی است (بی پروا، ص ۲۹).

تعداد مهاجران: و اما در مورد ایرانیان مقیم در امریکا اتفاق نظر وجود ندارد. گیلانشاه از ۱۸۰۰۰۰ نفر مهاجر یاد می کند (ص ۱۲۵-۱۲۶). رضا زاد ایرانیان مقیم امریکا را ۳۰۰ هزار نفر برآورد می کند (ص ۱۹). مصلحی تعداد ایرانیان را فقط در منطقه لوس آنجلس بین ۲۰۰ تا ۴۰۰ هزار نفر تخمین می زند (۱۹۸۶، ص ۸۷). در حالی که انصاری به عده ای بین پانصد تا هشتصد هزار نفر در همان محل اشاره می کند (ص ۱۱۷). بعضی دیگر از منابع مثل برخی از برنامه های تلویزیونی فارسی زبان، که سخنان قابل استناد نیست، از يك میلیون نفر مهاجر نیز یاد می کنند. بنظر می رسد با توجه به حدسیات بالا می توان تعداد مهاجران ایرانی را پس از انقلاب اسلامی در امریکا بیش از ۵۰۰ هزار و کمتر از يك میلیون نفر در نظر گرفت (بی پروا، ص ۲۹).

گیلانشاه می گوید بزرگترین گروه ایرانیان در کالیفرنیا (۳۳ درصد کل ایرانیان امریکا)

زندگی می کنند. در حالی که نیویورک ۱۵٪، ایلینوی ۸٪، تکزاس ۵٪، نیوجرسی و مرلند هر یک ۴٪، میشیگان و ویرجینیا هر یک ۳٪، فلوریدا و پنسیلوانیا هر یک ۲٪ از ایرانیان را در خود جای داده اند. در لیست گیلان‌شاه تعداد ایرانیان واشنگتن، دی. سی. در نظر گرفته شده است (ص ۱۲۶). بی پروا در طی مصاحبه ای با ۳۴ تن از مسؤلان سازمانهای مختلف اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، مذهبی و آموزشی ایرانیان در منطقه واشنگتن، دی. سی. به این نتیجه رسیده است که تعداد ایرانیان این منطقه بین ۵۰ تا ۶۰ هزار نفر است (ص ۳۰). صباغ ایرانیان لوس انجلس را در حدود یک چهارم کل جمعیت ایرانیان امریکا می داند (ص ۷۷). انصاری می گوید که ایرانیان تازه وارد ممکن است در همه شهرهای بزرگ امریکا باشند (ص ۱۲۱) ولی او نیز مثل گیلان‌شاه از کالیفرنیا و نیویورک بعنوان بزرگترین مراکز تجمع ایرانیان یاد می کند.

دین و مذهب: بی پروا جامعه ایرانیان مقیم امریکا را از نظر تعلقات مذهبی به یک ایران کوچک تشبیه می کند (ص ۳۲، ۳۱). صباغ (ص ۷۹)، مصلحی (ص ۲۵۰-۲۴۹) و گیلان‌شاه (ص ۱۳۰) از وجود ایرانیان مسلمان، بهایی، کلیسی، زردشتی، ارمنی و آسوری در لوس انجلس سخن بیان می آورند. مصلحی (۱۹۸۶، ص ۲۴۹-۲۵۰) در لوس انجلس به سازمانهای مختلف مذهبی وابسته به گروههای مذهبی متفاوت اشاره می کند. بی پروا در واشنگتن از سازمانهای مذهبی وابسته به مسلمانان، بهایی ها و زردشتیان یاد می کند (ص ۳۲).

نظرگاههای سیاسی: اکثریت ایرانیان از نظر سیاسی خاموشی گزیده اند. در باره بقیه آنان انصاری فقط از طرفداران رژیم پهلوی و روشنفکران از خود بیگانه پس از انقلاب که شامل فعالان مارکسیست و غیر مارکسیست می شود سخن می گوید (ص ۱۱۷). مصلحی طبقه بندی جامعتری در مورد گرایشات سیاسی ایرانیان بدست می دهد. بر اساس این طبقه بندی ایرانیان به گروههای سیاسی زیر تقسیم می شوند: طرفداران ادامه سلطنت پهلوی، طرفداران رژیم سلطنتی که به قوانین پارلمانی تأکید می ورزند، کسانی که معتقدند پیش از اخذ هر گونه تصمیم در مورد نظام سیاسی در ایران باید به مردم آگاهی سیاسی داد، طرفداران یک سیستم جمهوری از نوع سوسیالیزم، طرفداران جمهوری اسلامی، طرفداران جمهوری دموکراتیک اسلامی (مجاهدین) و طرفداران جمهوری دموکراتیک مردم (ص ۹۷، ۹۶).

ویژگیهای اقتصادی-اجتماعی: ایرانیان از نظر ویژگیهای اقتصادی-اجتماعی با بسیاری از کسانی که از دیگر نقاط جهان به امریکا مهاجرت کرده اند تفاوت دارند. گیلان‌شاه ایرانیان مهاجر را مردمانی شهر نشین، تحصیل کرده و با درآمد نسبتاً بالا توصیف می کند (ص ۱۳۲).

مصلحی ایرانیان مهاجر را که پس از انقلاب، ایران را ترک کرده اند افرادی با آموزش عالی علمی، تجربه، ثروت و یا مهارت‌های حرفه ای توصیف می کند. بعلاوه به عقیده او بعضی از ایرانیان از همه این ویژگیها برخوردارند (۱۹۸۶، ص ۱). انصاری می گوید ایرانیان مهاجر گروه‌های حرفه ای و شغلی گوناگونی مانند دانشمندان، استادان دانشگاهها، مدیران، افسران پیشین ارتش ایران، پزشکان، پرستاران، هنرمندان، مهندسين، فیلمسازان، روزنامه نگاران و بازرگانان را در بر می گیرد (ص ۱۱۷)

صباغ ایرانیان را با مهاجران کُره ای در لوس انجلس مقایسه و نتیجه گیری می کند که ۲/۲۴٪ از ایرانیان دارای درجه لیسانس هستند (کُره ای ها ۲/۲۰٪). ۲۴٪ ایرانیان در کارهای تجاری هستند (کُره ای ها ۲۳٪) (ص ۸۰). رضا زاد ادعا می کند که قدرت خرید سالانه ایرانیان در آمریکا در حدود ۴ بلیون دلار است (ص ۲۰). اومی گوید ایرانیان هر ساعت چهارصد و شصت هزار دلار به اقتصاد آمریکا سرازیر می کنند (ص ۱۹). وی ایرانیان را فعالترین، باهوشترین و تحصیل کرده ترین گروه‌های اقلیت در آمریکا توصیف می نماید. مصلحی بر این باور است که بیشترین نیروی کار ایرانیان متیم لوس انجلس در مشاغل حرفه ای و تخصصی است، و ایرانیان را از این جهت فقط با کُریاییها که در سال ۱۹۶۰ از رژیم فیدل کاسترو فرار کردند و در شرق آمریکا ساکن شدند قابل مقایسه می داند. بی پروا ایرانیان را بعنوان يك دارایی پر ارزش برای جامعه آمریکا می داند (ص ۳۱).

مشکلات مهاجران ایرانی: ایرانیان پس از ورود به آمریکا با دو نوع مشکل مواجه شده اند: مشکلات عام و مشکلات خاص بخاطر ایرانی بودن. ایرانیان پس از آمدن به آمریکا مانند دیگر مهاجرین شبکه هایی تشکیل دادند تا دوره سازگاری با محیط را آسانتر سپری کنند. از میان این شبکه ها می توان از سازمانهای مختلفی یاد کرد که برای رویارویی با مشکلات نو، حفظ فرهنگ بومی و مقابله با انزوای ناشی از مهاجرت تشکیل شده است. پیش از ایرانیان، مهاجران دیگر کشورها نیز سازمانهای مختلفی بوجود آورده بودند که بعضی از آنها هنوز هم باقی است و بسیار هم مقتدرند چنان که در مواردی حتی بر تصمیم گیری سیاسی دولت آمریکا تأثیر می گذارند. ایرانیان سازمانهای متعدد را اینک بیرویه در لوس انجلس، نیویورک و واشنگتن اداره می کنند. مصلحی از ۷۱ سازمان، برنامه های رادیویی و تلویزیونی، و روزنامه های ایرانی در لوس انجلس نام می برد. او معتقد است که این سازمانها و برنامه ها در درجه اول به جریان سازگاری مهاجران ایرانی با جامعه آمریکا کمک می کنند (ص ۲۲۹). بی پروا از ۳۷ سازمان مختلف سیاسی، اجتماعی فرهنگی و هنری، مذهبی، خیریه، ورزشی، آموزشی و

علمی در منطقه واشنگتن نام می برد که نقشهایی چون حفظ ارزشهای فرهنگی و سنتی ایران، کمک به ایرانیان برای سازگاری اجتماعی با جامعه آمریکا، فعالیتهای سیاسی و سعی در اتحاد بین ایرانیان را بعهده دارند (ص ۷۲). چند سازمان دیگر نیز اخیراً در منطقه واشنگتن تأسیس شده است.

سازمان دانشجویان ایرانی که نتیجه گردهمایی دانشجویان در سال ۱۹۵۳ در دانشگاه دنور بود اولین سازمان ایرانی است که در آمریکا بنیان نهاده شده است. این سازمان در آغاز غیر سیاسی بود، ولی در دهه ۱۹۶۰ به یک سازمان سیاسی تبدیل شد که تا سال ۱۹۷۷ فعالیت داشت. سازمان دانشجویان مسلمان ایرانی نیز سازمان دیگری است که در سالهای ۱۹۶۰ در دانشگاه برکلی شکل گرفت. بعلاوه پیش از انقلاب از سازمانهای دیگری مثل بعضی انجمنهای حرفه ای، برنامه زبان فارسی، کلوب والیبال آریز، مرکز حسینیه واشنگتن و خانقاه صوفیان نعمت الهی می توان نام برد. ولی پس از انقلاب اسلامی بود که بعزت مهاجرت عده بسیار کثیری از ایرانیان به آمریکا، نیاز به تأسیس سازمانهای مختلف برای حفظ و گسترش فرهنگ غنی ایران و کمک به دیگر ایرانیان بیش از هر زمان دیگری احساس شد و بطوری که پیشتر گفته شد در این سالها شاهد تأسیس سازمانهای مختلف بوسیله ایرانیان بوده ایم.

منابع و مأخذ

- 1- Ansari, Abdolmaboud. (1988). *Iranian Immigrants in the United States: A Case of Dual Marginality*. Millwood, N.Y., Associated Faculty Press, Inc.
- 2- Biparva, Ebrahim. (1988). *Ethnic Associations and the Process of Adaptation: The Case of Iranians in the Washington, D.C. Metropolitan Area*. Ph.D Dissertation. Washington, D.C: (The American University).
- 3- Gilanshah, Farah. (1983), *The Iranians of the Twin Cities*. Ph.D. Dissertation. Minnesota: (University of Minnesota).
- 4- Moslehi, Shahnaz. (1987). *Ask Me About Me*. San Fransisco, CA., Economy Book Craft.
- 5-Moslehi Shahnaz. (1986). *An Iranian Informal Educational Network in America: A descriptive Study*. Ph.D. Dissertation. Los Angeles, CA: (University of Southern California).
- 6- Reza Zad, Mehdi. (1985). *The Iranian's Year Book, A Directory for Iranian Community in Washington, MD, and VA*. (in Persian). 1:18-23.
- 7- Sabagh, George; Bozorgmehr, Mehdi (1987). " Are the Characteristics of Exiles Different from Immigrants? The Case of Iranians in Los Angeles." *Sociology and Social Research* , 71, 2: 77-84.